

A Comparative Study of the Time of Ensoulment in Islam and Other Religions

Adel Sarikhani¹

Received: 24/05/2019; Accepted: 06/06/2020 Hossein mohammadi doroh²

Qasem Eslaminia³

Abstract

From ancient times, the beginning of human life and when a fetus should be qualified as human rights has been largely debated among scholars and different religions. Judaism, after a period of considers the embryo to have a human soul, but in this religion, fetus is considered to be perfect when its head is out of the womb or appears. In Christianity, there are two perspectives on the beginning of human life from the moment of coagulation and the beginning of human life after a period of coagulation, but the exact time has not been set for the latter. The lack of precise determination of the time of the soul's ensoulment is related to the human's lack of knowledge of the soul and its non-physical dimensions.; thus, to determine the matter, one should refer to the Holy Quran and traditions. The Holy Qur'an considers the stages of growth to be six stages including: *nutfā*, *alaqa*, *mudgha*, *'izam*, *lahm* and embryo in which the spirit is blown but no time has been set for these stages. Given the traditions in this subject, ensoulment take place at the end of four months and the doctrine of jurists who know the time of each stage of embryo development to be 20 days is in line with this time. This view is also consistent with scientific findings and the practice of the general public.

Keywords: Fetus, Life, Ensoulment, Islam, Religions.



1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.
2. Ph. D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Qom, (Corresponding Author); E mail: hmd5987@gmail.com
3. Assistant professor, Department of law, Faculty of Humanities, University of Zabol.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی زمان ولوج روح در اسلام و سایر ادیان

تاریخ دریافت ۹۸/۱۰/۰۳ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۱۷

عادل ساریخانی^۱
حسین محمدی درح^۲
قاسم اسلامی نیا^۳

چکیده

مسئله‌ی آغاز حیات انسانی و اینکه از چه زمانی جنین را باید واجد اوصاف و حقوق انسانی دانست، از قدیم‌الایام در میان اندیشمندان و ادیان مختلف مورد بحث و مناقشه بوده است. آیین یهودیت پس از مدت‌زمانی از انعقاد نطفه جنین را دارای روح انسانی می‌داند اما در این آیین، جنین وقتی موجود کاملی تلقی می‌شود که سر جنین از رحم مادر خارج یا ظاهر شود. در آیین مسیحیت نیز دو دیدگاه آغاز حیات انسانی از لحظه انعقاد نطفه و آغاز حیات انسانی پس از مدت‌زمانی از انعقاد نطفه رواج دارد اما زمان دقیقی برای دیدگاه اخیر تعیین نشده است. عدم تعیین دقیق زمان ولوج روح، به عدم شناخت بشر از روح و ابعاد غیر جسمانی آن مرتبط می‌باشد؛ بنابراین برای تعیین این موضوع می‌بایست به قرآن کریم و روایات معصومین مراجعه نمود. در قرآن کریم مراحل ۶گانه رشد؛ نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و جنینی که روح در آن دمیده شده، بیان گردیده است، اما برای این مراحل، مدت‌زمانی تعیین نشده است. مستنبط از روایات موجود در این موضوع زمان ولوج روح در جنین پس از اتمام چهارماهگی است و نظریه فقهای که زمان هر یک از مراحل رشد جنین را ۲۰ روز می‌دانند، با ولوج روح در ۴ ماهگی منطبق است. همچنین این دیدگاه با یافته‌های علمی و عرف عموم مردم نیز هم‌خوانی و مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: جنین، حیات، ولوج روح، اسلام، ادیان.

۱. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، رایانامه :

hmd5987@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زابل





مقدمه

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در طول تاریخ بشریت، موضوع انسان و شناخت جنبه‌های مختلف وی است. در ادیان ابراهیمی انسان علاوه بر بعد جسمانی دارای بعد روحانی نیز می‌باشد و تفاوت انسان با سایر حیوانات در این بعد روحانی است، بر همین اساس آغاز حیات انسانی و اینکه از چه زمانی جنین را باید واجد اوصاف و حقوق انسانی دانست در میان اندیشمندان و ادیان مختلف مورد بحث و مناقشه بوده است. روح پدیده غیرمادی بوده و اینکه زمان دمیده شدن و حلول آن در بدن انسان تابع بعد جسمانی انسان می‌باشد یا خیر، مورد بحث است. یکی از چالش‌های مهم در زمینه اخلاق و حقوق پزشکی تشخیص زمان آغاز و اتمام حیات انسان است؛ زیرا تصمیماتی از قبیل سقط جنین، ارائه خدمات ناباروری، تحقیق بر روی جنین شیهه‌سازی و خاتمه دادن به زندگی بیماران مغزی بدون توجه به این مهم امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر ولوج روح موضوع آثار حقوقی متعددی می‌باشد، به عنوان مثال دیه جنین قبل از ولوج روح با توجه به هر مرحله از رشد جنین (نطفه، علقه، مضغه، عظام و جنینی که گوشت و استخوان‌بندی آن کامل شده ولی روح در آن دمیده نشده) تعیین می‌گردد، اما پس از ولوج روح، مانند دیه انسان کامل با توجه به جنسیت آن (اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه‌چهارم دیه کامل) خواهد بود. یکی دیگر از آثار ولوج روح بحث سقط جنین است؛ با حصول شرایطی^۴ اکثر صاحب‌نظران معتقدند سقط جنین قبل از دمیده شدن در

۴. در این خصوص قانون سقط درمانی مقرر می‌دارد «ماده واحد - سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد».





کالبد جنین و به منظور حفظ حیات مادر امکان پذیر است. پس از دمیده شدن روح در جسم جنین و اینکه جنین به عنوان یک شخص و انسان شناخته می شود، اکثر فقهای شیعه سقط جنین را حرام می دانند.^۵

علی رغم آثار متعدد اخلاقی و حقوقی که منوط به ولوج روح در جنین است، در آیین هایی یهودیت، مسیحیت و حتی اسلام زمان ولوج روح به صورت دقیق تعیین نگردیده و اختلاف نظرهای متعددی در بین اندیشمندان این ادیان وجود دارد، تعدادی اندیشمندان نیز به دلیل عدم شناخت روح، تعیین زمان ولوج روح در جنین را امکان پذیر ندانسته و در این موضوع سکوت نموده اند. بررسی تطبیقی و شناخت مبانی مشترک ادیان الهی در خصوص این موضوع، می تواند به تشخیص و تعیین زمان ولوج روح کمک نماید.

۱. تعریف روح

در مورد کلمه «روح» نظرات مختلفی مطرح شده است. کلماتی که مشتق از سه حرف (ر-و-ح) هستند دلالت بر وسعت، انبساط و گستردگی و... دارند (ابوالحسین، ۱۴۰۴: ۴۵۴) و اصل این کلمه ها، کلمه ریح است و اصل حرف (ی) در ریح حرف (و) بوده که به علت کسره قبل از آن به حرف (ی) تبدیل می شود و روح انسان مشتق از ریح است.^۶ گروهی دیگر معتقدند این کلمه بر جریان امری لطیف و ظهور آن دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۲۵۴). با توجه به اینکه اصل همه این کلمات، کلمه ریح است باید بگوییم قدر مشترک معانی این کلمه و مشتقات آن (جریان) است و روح یک امری است که گاه در یک جریان مادی و گاه در یک جریان معنوی به کار می رود (شاکر، ۱۳۷۸: ۹).

در فقه کلمه روح بیشتر در دو معنا به کار می رود:

الف- جان یا عامل حیات بدن

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک به مقاله قاعده تراحم در سقط درمانی، قیاسی، جلال الدین، سیده زهرا، حبیبی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره چهل و یک

۶. «الراء و الواو و الحاء أصلٌ كبير مطرد، يدلُّ على سَعَةٍ و فُسْحَةٍ و اطراد؛ و أصل [ذلک] کلُّه الرِّيح؛ و أصل الیاء فی الریح الواو و إنما قلبت یاءً لکسرة ما قبلها. فالرُّوح رُوحُ الإنسان و إنما هو مشتق من الرِّيح»





ب-نفس

با توجه به کاربردهای فوق سؤالاتی در ادامه مطرح می‌شود که نیازمند بررسی و تأمل بیشتر در این پژوهش است. ملائک ولوج روح در جنین معنای اول جان و عامل حیات انسان و کلیه حیوانات است یا معنای دوم نفس و روحی که مجرد از بعد جسمانی است؟ آیا این دو متفاوت از یکدیگر و در زمان‌های متفاوتی در کالبد جنین وارد می‌شوند و یا با یکدیگر تقارن زمانی دارند؟

بنا بر معنای نخست لازم نیست به دنبال زمان خاص و معینی همچون چهارماهگی برای ولوج روح باشیم، بلکه تشخیص این مهم بر اساس علائمی چون حرکت ارادی در رحم، فعال شدن برخی از حواس، تپش قلب جنین و ... خواهد بود و این علائم امکان دارد قبل از چهارماهگی یا بعد از آن در جنین ظاهر شود. بنا بر معنای دوم با توجه به اینکه روح امری مجرد از جسم و ماوراء الطبیعه است، نیازمند رجوع به کلام خداوند و ائمه معصومین (ع) برای تشخیص ولوج آن در بدن خواهیم بود.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در بخش دوم فصل هفتم مواد (۷۱۶-۷۲۱) را به دیه جنین اختصاص داده و در این مواد ولوج روح یکی از ملائک‌های تعیین دیه جنین است.

ماده (۷۱۶) مقرر می‌دارد: «دیه سقط جنین به ترتیب ذیل است:

الف- نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دوصدم دیه کامل

ب- علقه که در آن جنین به صورت خون بسته در می‌آید، چهارصدم دیه کامل

پ- مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی در می‌آید، شش صدم دیه کامل

ت- عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است، هشت صدم دیه کامل

ث- جنینی که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده ولی روح در آن دمیده نشده است یک‌دهم دیه کامل

ج- دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه چهارم دیه کامل و ماده (۷۲۰) مقرر می‌دارد «دیه اعضاء و دیگر صدمات وارد بر جنین در مرحله‌ای که استخوان‌بندی آن کامل شده ولی





روح در آن دمیده نشده است به نسبت دیه جنین در این مرحله محاسبه می گردد و بعد از دمیده شدن روح، حسب جنسیت جنین، دیه محاسبه می شود و چنانچه بر اثر همان جنایت جنین از بین برود، فقط دیه جنین پرداخت می شود». استفاد از مواد مذکور، قانون گذار برای ولوج روح زمان خاصی را تعیین ننموده، اما برای آن آثار حقوقی وضع کرده است. مستنبط از مواد فوق پس از اینکه استخوان بندی جنین کامل شود، ولوج روح صورت می پذیرد.

در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نیز مواد (۶۲۲-۶۲۴) به موضوع سقط جنین اختصاص داده شده اما اشاره ای به زمان دمیده شدن روح نشده است.

۲. ولوج روح در قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی در خصوص خلقت انسان و ولوج روح مطالبی را بیان نموده است. خداوند متعال در دو آیه، نفخ روح را به خود منتسب می کند: (فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ. حجر: ۲۹) و (فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ. ص: ۷۹) و در دو آیه به صورت روحنا آن را به خود منتسب کرده است. (وَ أَلْتِي أَحْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ. الانبیاء: ۹۱) و (وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِتِينَ. التحريم: ۱۲)

لغویان و مفسران انتساب روح به خدا در این آیات را بیانگر شدت ارتباط آن با خدا، کمال اصطفاء و توجه به آن، اختصاص تام آن به خدا و نشانگر موجودی شریف، والا و قدسی بودن روح دانسته اند و علت این انتساب را شرافت و عظمت بخشیدن به روح و تکریم آن بیان کرده اند (فقهی زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

۲-۱. مراحل تکامل جنین در قرآن

خداوند متعال در مورد مراحل تکامل جنین در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مؤمنون می فرماید: ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴). طبق این





آیات مراحل تکامل جنین ۶ مرحله می‌باشد که عبارت است از: نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و جنینی که روح در آن دمیده شده است.^۷

۳. ولوج روح در روایات

در روایات موجود بحث مستقلی در خصوص زمان ولوج روح صورت نگرفته، اما در بحث تعیین دیه جنین، در خصوص این موضوع هنگامی که دیه جنین کامل محاسبه می‌گردد، مباحثی مطرح شده است. در کتاب وسائل الشیعه در باب «دِیَاتِ النَّطْفَةِ وَالْعَلَقَةِ وَالْمُضْغَةِ وَالْعِظْمِ وَالْجَنِینِ ذِکْرًا وَانْثٰی وَ مُشْتَبَهَا وَ جِرَاحَاتِهِ وَ الْعَزْلِ»، ۱۰ روایت ذکر شده است (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۸-۳۱۲). با توجه به اینکه هر یک از روایات مذکور، کدام مرحله از رشد جنین را به عنوان زمان ولوج روح بیان نموده‌اند، می‌توان این روایات را به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

۱- دسته‌ای از روایات بیان می‌دارند که پس از آن که استخوان‌بندی کامل و شد و گوشت بر آن رویید، ولوج روح به بدن جنین صورت می‌گیرد و دیه جنین کامل خواهد بود: «مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْإِرْشَادِ قَالَ: قَضَى عَلِيٌّ ع فِي رَجُلٍ ضَرَبَ امْرَأَةً- فَأَلْقَتْ عَلَقَةً أَنْ عَلَيْهِ دِيَّتَهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا- وَ تَلَاعَ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ- ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ- ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً- فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً- فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا- ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ثُمَّ قَالَ فِي النَّطْفَةِ عَشْرُونَ دِينَارًا- وَ فِي الْعَلَقَةِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا- وَ فِي الْمُضْغَةِ سِتُّونَ دِينَارًا- وَ فِي الْعِظْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ خَلْقُهُ ثَمَانُونَ دِينَارًا- وَ فِي الصُّورَةِ قَبْلَ أَنْ تَلْجَهَا الرُّوحُ مِائَةُ دِينَارٍ- فَإِذَا وَلَجَتْهَا الرُّوحُ كَانَ فِيهَا أَلْفُ دِينَارٍ».

۲- در روایتی که عبدالله بن سنان از مردی و این مرد از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند، دیه نطفه ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار و عظام دیه کامل بیان شده است و اشاره‌ای به مرحله پنجم و ششم رشد جنین یعنی مراحل لحم و ولوج روح نمی‌شود: «وَعَنْ



۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک به مقاله «مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن حدیث و علم جنین‌شناسی»



عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتَطْرَحُ النُّطْفَةُ - قَالَ عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَارًا - فَإِنْ كَانَ عُلْقُهُ فَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا - (فَإِنْ كَانَ) مُضْغَةً فَعَلَيْهِ سِتُونَ دِينَارًا - فَإِنْ كَانَ عَظْمًا فَعَلَيْهِ الدِّيَّةُ.

۳- روایتی که سلیمان بن صالح از امام صادق (ع) نقل می کند ناظر به این موضوع است که پس از آن که استخوان بندی جنین کامل شد و گوشت بر آن روید دیه جنین ۱۰۰ دینار است و در زمان تولد که صدای گریه جنین شنیده شود، دیه وی کامل خواهد بود: «فِي النُّطْفَةِ عَشْرُونَ دِينَارًا - وَ فِي الْعُلْقَةِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا - وَ فِي الْعَظْمِ ثَمَانُونَ دِينَارًا - فَإِذَا كُسِيَ اللَّحْمَ فَمِائَةُ دِينَارٍ - ثُمَّ هِيَ دِيَّتُهُ حَتَّى يَسْتَهْلَ - فَإِذَا اسْتَهْلَ فَالدِّيَّةُ كَامِلَةٌ».

در این موضوع ظریف بن ناصح در روایتی طولانی از امیر مؤمنان (ع) بیان می دارد که برای مراحل مختلف رشد جنین دیه تعیین شده است؛ یعنی برای نطفه بیست دینار، علقه چهل دینار، مضغه شصت دینار و عظام هشتاد دینار و سپس آمده است: «دیه جنین که مقصود جنین تام الخلقه است، صد دینار است». ظاهر روایت این است که آغاز وضع دیه کامل (هزار دینار) بعد از تولد و استهلال است و در فرازهای قبلی این روایت آمده که دیه جنین قبل از ولوج روح، صد دینار است. پس می توان نتیجه گرفت که ولوج روح هنگام ولادت و استهلال رخ می دهد و همان سبب تبدیل دیه از صد دینار به هزار دینار می گردد.

۴- در روایتی ابی شبل از امام صادق (ع) نقل می کند که بعد از گذشت ۵ ماه در جنین حیات جاری شده و دیه او کامل است: «أَبَا شَبَلٍ إِذَا مَضَتْ خَمْسَةُ أَشْهُرٍ فَقَدْ صَارَتْ فِيهِ الْحَيَاتُ وَ قَدْ اسْتَوْجَبَ الدِّيَّةَ». در این روایت، پنج ماهگی زمان حلول حیات انسانی تعیین شده است.

برای جمع روایات مذکور می توان گفت روایات گروه نخست صحیح السند و ظاهر الدلالة در این موضوع هستند و در خصوص این قول، شیخ طوسی ادعای اجماع کرده (طوسی، ۱۴۰۷، الخلاف: ۱۱۴) و صاحب جواهر نیز اجماع محصل و اجماع منقول را در این خصوص پذیرفته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵۶). روایت دسته سوم با توجه به شدوذ معنوی در میان روایات و ضعف احتمالی در سند روایت سلیمان بن صالح، قابل معارضه با ظاهر و





نص روایات دیگر نیستند و می‌بایستی آن‌ها را حمل بر معنایی کرد که قابل جمع با سایر روایات باشند، مناسب‌ترین معنا این است که قید استهلال را طریق و کاشف ولوج روح قرار دهیم. چنان‌که استهلال در سایر احکام مربوط به طفل نیز تنها نشانه‌ای برای کشف حیات است و جنبه موضوعیت ندارد. پس اگر ولوج از راهی غیر از استهلال احراز شود، حکم به دیه کامل متوقف بر استهلال نیست (امامی، ۱۳۸۵: ۸۶-۴۴) روایات دسته چهارم نیز در خصوص وضعیت جنین در ۵ ماهگی بحث می‌کند که در این زمان جنین دارای روح است، اما ولوج روح در ۴ ماهگی صورت گرفته است. روایات گروه دوم با توجه به آنکه شهرت فتوایی روی آن نبوده و اعراض اصحاب نسبت به آن بوده، روایت متهمه است و حجیت ندارد (مظاهری، ۱۳۸۷: جلسه ۸۴).

در خصوص مدت زمان هریک از مراحل رشد جنین، نیز روایات متعددی وجود دارد:

۱- ابی جریر قمی در روایتی از امام موسی کاظم (ع) مدت زمان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه را ۴۰ روز و در ادامه سه مرحله دیگر رشد جنین را بدون ذکر مدت بیان می‌کند: «سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَنِ النَّطْفَةِ مَا فِيهَا مِنَ الدِّيَةِ - وَمَا فِي الْعَلَقَةِ (وَمَا فِي الْمُضْغَةِ وَمَا فِي الْمُخَلَقَةِ) - وَمَا يَقْرُ فِي الْأَرْحَامِ - فَقَالَ إِنَّهُ يُخْلَقُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ - يَكُونُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا - ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا - ثُمَّ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا - فَفِي النَّطْفَةِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا - وَفِي الْعَلَقَةِ سِتُّونَ دِينَارًا وَفِي الْمُضْغَةِ ثَمَانُونَ دِينَارًا - فَإِذَا اكْتَسَى الْعِظَامَ لَحْمًا فَفِيهِ مِائَةُ دِينَارٍ - قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ أَنْشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ - فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ - فَإِنْ كَانَ ذَكَرًا فَفِيهِ الدِّيَةُ - وَإِنْ كَانَتْ أُنْثَى فَفِيهَا دِيَّتُهَا» (طوسی، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام: ۲۸۲). همچنین سعید بن المسیب در روایتی از امام سجاد (ع) مدت زمان هر یک از سه مرحله اول جنینی را ۴۰ روز و سه مرحله بعدی را بدون ذکر مدت بیان نموده است: «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَنِ رَجُلٍ - ضَرَبَ امْرَأَةً حَامِلًا بِرَجْلِهِ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيِّتًا - فَقَالَ إِنْ كَانَ نُطْفَةً فَإِنَّ عَلَيْهِ عَشْرِينَ دِينَارًا - قُلْتُ فَمَا حَدُّ النَّطْفَةِ - فَقَالَ هِيَ الَّتِي (إِذَا) وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ - فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا - وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهُوَ عَلَقَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا - قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْعَلَقَةِ قَالَ - هِيَ الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ ثَمَانِينَ يَوْمًا - قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَهُوَ مُضْغَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ سِتِّينَ دِينَارًا - قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْمُضْغَةِ - فَقَالَ هِيَ الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي





الرَّحِمِ - فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ مِائَةٌ وَعَشْرِينَ يَوْمًا - قَالَ وَإِنْ طَرَحْتَهُ وَهُوَ نَسَمَةٌ مُخَلَّقَةٌ لَهُ عَظْمٌ وَ لَحْمٌ - مُزِيلَ الْجَوَارِحِ قَدْ نُفِخَتْ فِيهِ رُوحُ الْعَقْلِ - فَإِنَّ عَلَيْهِ دِيَّةً كَامِلَةً الْحَدِيثُ» (اصفهانى، ۱۴۰۴: ۲۴).

۲- حسن بن جهم نیز در روایت صحیحی از امام رضا (ع) بیان می‌دارد که هر یک از سه مرحله اول جنینی ۴۰ روز است و زمانی که چهار ماه کامل شد خداوند دو فرشته‌ی آفریننده بر او برمی‌گزیند: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع يَقُولُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ النُّطْفَةَ تَكُونُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا كَمَلَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعَثَ اللَّهُ مَلَكََيْنِ خَلَقَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳).

۳- در روایتی که بزندی از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند، مدت هر یک ۴ مرحله اولیه جنینی ۳۰ روز است و در خصوص مدت دو مرحله دیگر جنینی زمانی را تعیین نمی‌کند و نهایتاً بیان می‌دارد بعد از اینکه ۴ ماه کامل شد، فرشتگان خلاق به سمت جنین می‌آیند «قَالَ الْبَزَنْطِيُّ: وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَامْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِنَا بِهَا حَمْلٌ. قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الدُّعَاءُ مَا لَمْ يَمُضِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ». فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا لَهَا أَقَلُّ مِنْ هَذَا، فَدَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ النُّطْفَةَ تَكُونُ فِي الرَّحِمِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، وَ تَكُونُ عَلَقَةً ثَلَاثِينَ يَوْمًا، وَ تَكُونُ مُضْغَةً ثَلَاثِينَ يَوْمًا، وَ تَكُونُ مُخَلَّقَةً وَ غَيْرَ مُخَلَّقَةٍ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرُ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهَا مَلَكََيْنِ خَلَقَيْنِ، يُصَوِّرَانِهِ وَ يَكْتَبَانِ رِزْقَهُ وَ أَجَلَهُ وَ شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۳-۳۵۲).

۴- دسته‌ای از روایات به صورت مطلق به مراحل رشد جنین و دیه هر مرحله پرداخته‌اند و در خصوص مدت زمان هر یک از این مراحل بحثی نشده است: «مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْإِرْشَادِ قَالَ: قَضَى عَلَيَّ ع فِي رَجُلٍ ضَرَبَ امْرَأَةً - فَأَلْقَتْ عَلَقَةً أَنَّ عَلَيْهِ دِيَّتَهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا - وَ تَلَا ع وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ - ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ - ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً - فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً - فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا - ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ثُمَّ قَالَ فِي النُّطْفَةِ عَشْرُونَ دِينَارًا - وَ فِي الْعَلَقَةِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا - وَ فِي الْمُضْغَةِ سِتُونَ دِينَارًا - وَ فِي الْعَظْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ خَلْقُهُ ثَمَانُونَ دِينَارًا -





جنین کامل شد ۱۰۰ دینار و هنگامی که روح در جنین دمید، اگر مذکر باشد ۱۰۰۰ دینار و اگر مؤنث باشد ۵۰۰ دینار است (حلی، ۱۴۰۵: ۶۰۲).

شهید اول نیز دیه هر یک از مراحل رشد را بدون تعیین مدت هر مرحله ذکر می‌کند و معتقد است هنگامی که ولوج روح صورت گیرد، دیه جنین کامل خواهد بود (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۸۵).

۲- این گروه از فقیهان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه را ۴۰ روز می‌دانند. در این خصوص حائری در بحث عده زن، زمان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه را ۴۰ روز بیان می‌دارد: «من المعتدة بالوضع تاما ستة أشهر و لحظتان من وقت النکاح لحظة للوطی و لحظة للولادة و سقطا مصورا مائه و عشرون يوما و لحظتان و مضغة ثمانون يوما و لحظتان و علقه أربعون يوما كذلك قبل دعواها من غیر یمین إذا لم یکن لها منازع، بلا خلاف فیه و لا فی دعوی الانقضاء بالأشهر» (حائری، ۱۴۰۹: ۴۳۷).

سید تقی طباطبائی نیز اینکه مدت زمان هر یک از مراحل نطفه، علقه و مضغه ۴۰ روز است را بسیار واضح می‌داند: «و اذا کان الالب هو الجانی علی الجنین کانت دیتة لأمه و فی تحديد المراتب المذكورة خلاف و الاظهر انه اربعون يوما نطفه و اربعون علقه و أربعون مضغه» (قمی، ۱۴۲۶: ۸۰۲).

در این موضوع نیز از آیت‌الله فاضل لنکرانی استفتائی صورت می‌گیرد و ایشان بیان می‌دارد: «ظاهر این است که جنین از وقتی که در رحم قرار می‌گیرد، به مدت ۴۰ روز نطفه است؛ و دیه اسقاط آن در این مدت ۲۰ مثقال شرعی طلای سکه‌دار است که هر مثقال، هجده نخود می‌باشد، پس از آن ۴۰ روز علقه؛ یعنی خون بسته شده است و دیه آن ۴۰ مثقال است، بعد ۴۰ روز مضغه؛ یعنی پاره گوشتی است که دیه آن ۶۰ مثقال است، (که مجموع چهار ماه می‌شود) پس از آن به صورت استخوان می‌شود؛ و دیه آن ۸۰ مثقال است. بعد گوشت رویده و صورت‌بندی می‌شود و دیه آن ۱۰۰ مثقال است» (فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۵۱۵).

۳- طبق دیدگاه ابن ادریس، هر یک از این مراحل رشد جنین بیست روز است و ولوج روح در پایان چهارماهگی صورت می‌گیرد: «لجنین الولد ما دام فی البطن و أول ما یكون





نطفه و فيها بعد وضعها فی الرحم الى عشرين يوما، عشرون دینارا، ثم بعد العشرين يوما، لكل يوم دینار إلى أربعين يوما، أربعون دینارا و هی دیة العلقه، فهذا معنی قولهم و فیما بینهما بحساب ذلك، ثم یصیر مضغه و فیها ستون دینارا و فیما بین ذلك بحسابه. ثم یصیر عظما و فیہ ثمانون دینارا و فیما بین ذلك بحسابه [ثم یصیر مکسوا علیه اللحم، خلقا سويا شق له العینان و الأذنان و الأنف قبل ان تلجه الروح و فیہ عندنا مائه دینار، سواء کان ذکرا أو أنثی، علی ما قدمناه و فیما بین ذلك بحسابه] (حلی، ۱۴۱۰: ۴۱۶).

دیدگاه‌های مذکور با توجه به روایاتی که در بخش قبل بررسی شد، اتخاذ گردیده است. محقق حلی در این خصوص بیان می‌دارد دلیلی که فاصله‌ی این مراحل ۴۰ روز باشد، وجود ندارد. همچنین بر این قول که فاصله‌ی بین مراحل جنینی ۲۰ روز است، دلیلی وجود ندارد و روایات در این خصوص هم سندا هم دلالتا مضطرب می‌باشد؛ بنابراین همه روایت‌ها را کنار می‌گذارد: «هذه الأخبار و إن توقفت فیها لاضطراب النقل أو لضعف الناقل فكذا توقف عن التفسیر الذی مر بخیال ذلك القائل» (حلی، ۱۴۰۸: ۲۶۵). در این صورت مسئله به‌طور کلی سالبه به انتفاء موضوع است، اگرچه این قول با اتصالات موجود در این باب سازگار است، اما به نظر می‌رسد قول ابن ادریس برخلاف قول مشهور عرفیت و علمیت دارد و با احتساب ۲۰ روز به‌عنوان مدت‌زمان هر یک از مراحل رشد جنین با ولوج روح در پایان ۴ ماهگی متناسب است (مظاهری، ۱۳۸۷: جلسه ۸۴).

۵. ولوج روح در غرب

در اروپا زمان دمیده شدن روح در جنین و اینکه جنین چه زمانی انسان محسوب می‌شود یکی از مباحث برانگیز بوده است و از قدیم‌الایام تا زمان حال دیدگاه‌های متفاوتی در بین اندیشمندان و علمای مذهبی رواج داشته است. یکی از مهم‌ترین اثرات این بحث، جواز سقط جنین قبل و بعد از ولوج روح است که پس از بررسی دیدگاه هر یک از ادیان در خصوص زمان ولوج روح، مختصراً به این موضوع اشاره خواهد شد.





از دیدگاه فیثاغورث روح موجودیتی فناپذیر است که در لحظه باروری حاضر می‌شود و در بین بدن‌ها منتقل می‌شود و در جبهه مخالف، افلاطون معتقد است تا لحظه تولد، ولوج روح محقق نمی‌شود و تنها در لحظه تولد است که روح به جنین زندگی و جان می‌بخشد (Horrocks, 2014:504).

ارسطو با اتخاذ دیدگاهی بنیاین معتقد به ولوج مؤخر روح است. روح به بدن در طی مراحل همان‌گونه که هر بخش کامل می‌گردد، منتقل می‌شود و روح خاصی در بدن حاضر نیست مگر بعد از اینکه فرم بدن کامل شود. این تکامل فرم بدن در چهاردهمین روز پس از بارداری برای آقایان و در هجدهمین روز بارداری در بانوان محقق می‌شود (Badawy, 2013:30).

در حال حاضر گروهی از اندیشمندان در جنبش طرفدار زندگی، جنین را انسانی کامل با روح تلقی می‌کنند. در این دیدگاه جنین تمامی حقوق یک شهروند از قبیل حق حیات را دارد. در نتیجه هر عملی که جنین را از بین ببرد، سقط جنین یا قتل عمدی تلقی خواهد شد. در مقابل گروهی دیگر موسوم به جنبش طرفدار انتخاب، معتقدند شروع شخصیت انسان مدتی بعد از حاملگی می‌باشد؛ لذا کشتن یک جنینی که تازه نطفه‌اش منعقد شده قتل یک انسان محسوب نمی‌گردد (Hasgul, 2005:1).

این عقیده که زندگی افراد بشر از لحظه باروری شروع می‌شود، یک قاعده تاریخی در میان ادیان نیست و حتی در تاریخ مسیحیت نیز هیچ‌گاه دیدگاه واحدی در این موضوع نبوده است. درواقع انجیل و علوم مدرن، انسان را قادر نمی‌سازند تا نتایجی غیرقابل بحث و ملموس در این خصوص اتخاذ کند. بیشتر مشکل انسان به دلیل عدم توانایی بشر در تشخیص مفاهیم زندگی و ولوج است. در کتاب «Stanford Encyclopedia of Philosophy» زندگی و حیات به این نحو تعریف شده است: «موجودات زنده آن‌هایی هستند که تغییر می‌کنند، رشد می‌کنند، می‌میرند، تغییرپذیری ارثی دارند، دارای اصل و نسب‌اند که می‌توانند تکامل یابند و در طول دوره‌ای زایش درحالی که ساختارهای اساسی





جدید تولید می‌کنند، این ساختارها سلامت انطباق یافته را در محیط‌زیست متغیر فراهم می‌کند. استفاده از چنین تعریفی این نتیجه را در بر دارد که حیات مختص به بشر نیست. واژه زنده ممکن است دقیقاً همان اندازه نسبت به گیاهان و نباتات قابل اعمال باشد. از نظر فلسفی و مذهبی تفاوت انسان و سایر موجودات نباتی و حیوانی، چیزی به نام روح است» (Disney and others, 2010:273).

دستورنامه تعالیم کلیسای کاتولیک در پاراگراف شماره ۲۲۷۰ بیان می‌دارد که زندگی انسان مطلقاً باید از لحظه باروری محترم شمرده و جنین از اولین لحظه وجودش به عنوان انسان و دارنده حقوق شخصی شناخته شود. پاراگراف ۲۲۷۴ به همین نحو ادامه می‌دهد: «از آنجایی که بشر باید از لحظه باروری به عنوان شخص تلقی شود لذا باید تا آنجایی که برای دیگر افراد بشر ممکن است از تمامیت جنین دفاع و حمایت کنند». همچنین پاراگراف ۲۳۲۲ نیز مقرر می‌دارد: «جنین از لحظه باروری حق حیات دارد». عقاید در خصوص زمان ولوج روح در بین مسیحیت بسیار متفاوت می‌باشد که البته در این پژوهش منظور از مسیحیت، اندیشمندان مسیحی هستند. علیرغم ادعاهای مخالف، کتب مقدس کلیسایی مستقیماً به این سؤال که زندگی چه زمانی شروع می‌شود یا ولوج چه زمانی رخ می‌دهد، پاسخی نداده‌اند. به خاطر ابهاماتی که در این خصوص وجود داشته، متون دینی مسیحیت سه دیدگاه متفاوت را در خصوص ولوج روح، درون خود دیده است:

۱. مکتب پیش از اگزیتنیالیسم ۲. مکتب ترارسانی روح: (روح کودک توسط والدین وی ایجاد می‌شود) ۳. آفرینش گرایی (خداوند برای هر انسانی یک روح تازه می‌آفریند).
- مکتب اول، پیش از اگزیتنیالیسم، بر این عقیده است که ارواح، موجودیت‌هایی از پیش وجود یافته هستند و منتظر بدن‌هایی برای ورود به آنها هستند. بر طبق این دیدگاه بدن اساساً تصادفی انتخاب می‌گردد و نسبتاً بی‌اهمیت است.





• مکتب ترارسانی روح: دکترین ترارسانی روح معتقدند که روح در اسپرم و تخمک وجود دارد، زمانی که آن‌ها ترکیب می‌شوند، این ترکیب به‌طور خودکار و فوراً روح جدیدی را تشکیل می‌دهند.

• مکتب آفرینش گرایی: دکترین آفرینش گرایی معتقدند که روح توسط خداوند خلق و وارد جسم جنین می‌شود. ولوج روح در نقطه‌ای که خداوند انتخاب می‌کند، صورت می‌گیرد و این می‌تواند در زمان اولین تنفس جنین مانند خلقت آدم باشد و یا هر زمان دیگری که خداوند در دایره اقتدارش می‌داند (Disney and others, 2010: 275-277).

با توجه به دیدگاه‌های فوق دو نظر در خصوص سقط جنین در میان اندیشمندان مسیحی وجود دارد؛ به اعتقاد کلیسای کاتولیک رم جنین از لحظه انعقاد نطفه، انسانی کامل است و حق حیات دارد؛ بنابراین سقط جنین در هر مرحله‌ای ناروا است و ساقط کننده جنین به مجازات شرعی طرد محکوم می‌شود، در مقابل برخی از اندیشمندان دمیده شدن روح را ملاک جواز یا عدم جواز سقط جنین بیان کرده‌اند.

یهودیان معتقدند بر اساس تلموت، ولوج روح در لحظه باروری محقق نمی‌شود. مسئله‌ی حیات انسانی جنین در تلموت در دو قسمت بحث شده است:

۱. در بخش «yevamot 69» بیان شده که جنین در ۴۰ روز اول بارداری مانند آب است.
۲. در بخش «nida 8» ذکر شده که جنین پس از دوره دوم بارداری یعنی هفته سوم روحی انسانی تلقی می‌شود (Schenker, 2008: 273-274).

در آیین یهودیت جنین وقتی موجود کامل تلقی می‌شود که سر جنین از رحم مادر خارج یا ظاهر شود. قبل از این لحظه قاعده‌ای که جنین بخشی از مادر محسوب می‌شود، مجرا است. مشابه این دیدگاه نیز در حقوق انگلیس مشاهده می‌شود، بدین صورت که جنین هیچ حق قانونی به‌نوبه خود ندارد مگر بعد از آن که زنده متولد شده و از مادرش جدا شود. حق حیات جنین متولد نشده، به‌حق حیات مادر محدود گردیده است (Islam).





(Hossaini, 2017: 9). در آیین یهودیت با توجه به اینکه جنین تا قبل از تولد انسان کامل محسوب نمی‌گردد برای سقط جنین مجازات قصاص تعیین نگردیده و این موضوع صرفاً ممنوع اعلام شده است.

مطابق تعالیم بودائی جنین بعد از تلقیح در رحم مادر، شخصیت به دست می‌آورد. به‌طور کلی اکثر هندیان معتقدند که شروع شخصیت انسان با تحقق تناسخ در لحظه باروری همزمان بوده و در نتیجه جنین اولیه انسان، شایسته احترام است (William, 2017: 2). مطابق دستورهای اخلاقی بودا سقط جنین خطای بزرگی است و کسی که به این عمل دست یازد دیگر پیرو بودا نخواهد بود.

علم پزشکی همان مراحل ذکر شده از سوی قرآن و روایات را پذیرفته و مدت زمان هر یک از مراحل را بدین صورت بیان می‌کند که نطفه فرد پس از مقاربت یا حرکت به‌سوی تخمک در بازه زمانی شصت تا هفتاد دقیقه‌ای، لقاح را به وجود می‌آورد. در حدود بیستین روز، نطفه به علقه تبدیل می‌شود و در ابتدای هفته چهارم جنین وارد مرحله مضغه و این مرحله تا پایان هفته ششم ادامه دارد. از آغاز هفته هفتم هیكل غضروفي شکل می‌گیرد و در هفته‌های بعد پیشرفت ساختمان اعضای بدن، در استخوان‌های دست او آشکار می‌گردد و نقاط تیره نشان می‌دهد که چگونه غضروف تبدیل به استخوان شده است و در انتهای ماه سوم مراکز استخوانی به‌وسیله سلولی‌های مزودروم تشکیل می‌شود. در خلال هفته‌های هفتم و هشتم همراه با پیدایش استخوان‌ها، گوشت روی استخوان‌ها می‌روید که ابتدا به‌صورت پوست شفافی است و به‌تدریج به‌صورت گوشت رشد می‌کند و از شفافیت آن کاسته شده و درنهایت با ورود جنین در ماه چهارم روح و حیات در آن دمیده می‌شود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۱).

نتیجه‌گیری

مسئله آغاز حیات انسانی از قدیم‌الایام مورد بحث و مناقشه بوده است. به‌طور کلی می‌توان دو دیدگاه در این خصوص بیان نمود: ۱- آغاز حیات انسانی از لحظه انعقاد نطفه





۲- آغاز حیات انسانی پس از مدت زمانی از انعقاد نطفه که می تواند تا زمان تولد جنین ادامه داشته باشد. در آیین یهودیت و مسیحیت زمان دقیقی برای آغاز حیاتی انسانی و ولوج روح تعیین نشده و این موضوع به عدم شناخت روح و بعد غیر جسمانی روح مرتبط است؛ بنابراین برای تعیین این موضوع می بایست به قرآن کریم و روایات معصومین مراجعه نمود. قرآن کریم مراحل رشد جنین را ۶ مرحله ی نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و جنینی که روح در آن دمیده شده، بیان می کند، اما در خصوص مدت هر یک از این مراحل، زمانی را تعیین ننموده است. مستنبط از روایات موجود، زمان ولوج روح پس از اتمام چهارماهگی است. در خصوص هر یک از مراحل رشد جنین در روایات و اقوال فقهاء مدت زمان ۴۰ روز، ۳۰ روز و ۲۰ روز بیان شده است. اقوالی که هر مرحله از رشد جنین را ۴۰ روز یا ۳۰ روز بیان می کنند علاوه بر اینکه دارای اجمال و نواقصی هستند، بیانگر این موضوع می باشند که زمان ولوج روح ۸ ماهگی یا ۶ ماهگی است. این موضوع برخلاف قدر متیقن روایاتی است که زمان ولوج روح را ۴ ماهگی بیان می کنند؛ بنابراین دیدگاهی که زمان هر یک از مراحل رشد جنین را ۲۰ روز بیان می کند صحیح به نظر می رسد. این دیدگاه با ولوج روح در ۴ ماهگی و با یافته های علمی و عرف مردم نیز هم خوانی دارد.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ ق، معجم مقائیس اللغة، قم، ایران انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۲.
- (۳) اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۶.
- (۴) امامی، مسعود، ۱۳۸۵ ش، زمان دمیدن روح در جنین، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۴۹.





- (۵) بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۳ ش، پزشکی قانونی در فقه و حقوق ایران، فصل نامه مدرس علوم انسانی، ش ۳۷.
- (۶) حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ۱۴۰۹ ق. الشرح الصغير فی شرح مختصر النافع، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، چ ۱، ج ۲.
- (۷) حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰ ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، چ ۲، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ج ۳.
- (۸) حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ ق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ج ۴.
- (۹) حلّی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ ق، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چ ۱.
- (۱۰) حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ ق، ق قرب الإسناد (ط - الحدیث)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱.
- (۱۱) رضوی، شهناز، امین ناجی، محمد هادی، کامکار، زهره، ۱۳۹۰ ش، جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین شناسی، پژوهش ها علم و دین، ش ۲.
- (۱۲) شاکر، محمد کاظم، ۱۳۷۸ ش، تفسیری از روح، پژوهش های فلسفی کلامی، ش ۱.
- (۱۳) عباسی، محمود، احمدی، احمد، فکور، حسن، ۱۳۹۱ ش، مبانی سقط درمانی و بررسی آن از منظر حقوق جزای پزشکی، فصل نامه حقوق پزشکی، ش ۲۰.
- (۱۴) عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، ج ۲۹.
- (۱۵) عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ ق، اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه، بیروت، دار التراث - الدار الإسلامیه، چ ۱.





۱۶) طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۴.

۱۷) -----، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ج ۱۰.

۱۸) فاضل لنکرانی، محمد، بیتا، جامع المسائل، قم، امیر قلم، چ ۱۱، ج ۱.

۱۹). فقهی زاده، عبدالهادی، پهلوان، منصور، روحی دهکردی، مجید، ۱۳۹۱ ش، ویژگی‌های روح از دیدگاه قرآن و روایات، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۲.

۲۰) قمی، سید تقی طباطبایی، ۱۴۲۶ ق، مبانی منهاج الصالحین، قم، منشورات قلم الشرق، چ ۱، ج ۱۰.

۲۱) قیاسی، جلال الدین، حبیبی، سیده زهرا، ۱۳۹۴ ش، قاعده تزاحم در سقط درمانی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۱.

۲۲) کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ج ۶.

۲۳) مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ ق، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الكتاب للترجمة والنشر، چ ۱، ج ۴.

۲۴) مظاهری، حسین درس خارج فقه الدیات، ۸۷/۰۷/۲۳، جلسه: ۸۴.

۲۵) نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ ۷.

26) Badawy A, B, Khitamy, (2013), Divergent Views on Abortion and the Period of Ensoulment. SQU Medical Journal.

27) Disney Lindsey and Poston Larry, (2010), The Breath of Life: Christian Perspectives on Conception and Ensoulment, Anglican Theological Review.

28) Gowri, Vaidyanathan, (2013), Abortion and Ensoulment, SQU Medical Journal.



- 29) Hasgul Olgun, (2005), Ensoulment: When Does Human Life Begin, the Fountainmagazine.
- 30) Horrocks Alyssa, (2014), The Soul and Abortion in Ancient Greek Culture and Jewish Law, Undergraduate Research Asheville, North Carolina.
- 31) Islam.Hossaini. Rafiqul, (2017), Legal Right of Fetus: A Myth or Fact. International Journal of Law, Humanities & Social Science.
- 32) Schenker, Joseph G, (2008), The beginning of human life, J Assist Reprod Genet.
- 33) William, Neaves, (2017), The status of the human embryo in various religions, SPOTLIGHT.
- 34) Kurjak, Asim, (2017), controversite on the beginning of human life, science and religions closer and closer, Psychiatria Danubina.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب سال بیستم - شماره یک - بهار ۱۳۹۹

